

آیه: ۱۲۳ - ۱۲۴

آیه و ترجمه

لیس بامانیکم و لا امانی اهل الکتب من یعمل سوءا یجز به و لا یجد له من دون
الله ولیا و لا نصیرا ۱۲۳
و من یعمل من الصلحت من ذکر او انشی و هو مؤمن فاولئک یدخلون الجنة و لا
یظلمون نقیرا ۱۲۴
ترجمه :

۱۲۳ - (فضیلت و برتری) به آرزوهای شما و آرزوهای اهل کتاب نیست، هر کس
که عمل بد کند کیفر داده میشود، و کسی را جز خدا، ولی و یاور خود نخواهد
یافت
۱۲۴ - و کسی که چیزی از اعمال صالح انجام دهد خواه مرد باشد یا زن، اما
ایمان داشته باشد، چنان کسانی داخل در بهشت میشوند و کمترین ستمی به
آنها نخواهد شد.

شان نزول :

در تفسیر مجمع البیان و تفاسیر دیگر چنین آمده است که مسلمانان و اهل
کتاب هر کدام بر دیگری افتخار می کردند، اهل کتاب می گفتند پیامبر ما قبل
از پیامبر شما بوده است، کتاب ما از کتاب شما سابقه دارتر است، و مسلمانان
می گفتند پیامبر ما خاتم پیامبران است، و کتابش آخرین و کاملترین کتب
آسمانی است، بنابراین ما بر شما امتیاز داریم.

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۴۱

و طبق روایت دیگری یهود می گفتند: ما ملت برگزیده ایم، و آتش دوزخ جز
روزهای معدودی به ما نخواهد رسید.
(و قالوا لن تمسنا النار الا ایاما معدودة).

و مسلمانان می گفتند ما بهترین امتها هستیم، زیرا خداوند درباره ما
گفته است.

(کنتم خیر امة اخرجت للناس)

آیه فوق نازل شد و بر این ادعاهای قلم بطلان کشید، و ارزش هر کس را
به اعمالش معرفی کرد.

تفسیر :

امتیازات واقعی و دروغین

در این دو آیه یکی از اساسی ترین پایه های اسلام بیان شده است، که ارزش وجودی اشخاص و پاداش و کیفر آنها هیچ گونه ربطی به ادعاها و آرزوهای آنها ندارد، بلکه تنها بستگی به عمل و ایمان دارد، این اصلی است ثابت و سنتی است تغییرناپذیر، و قانونی است که تمام ملتها در برابر آن یکسانند لذا در آیه نخست می فرماید: فضیلت و برتری به آرزوهای شما و آرزوهای اهل کتاب نیست.

(لیس بامانیکم و لا امانی اهل الکتاب).

سپس اضافه می کند: هر کس عمل بدی انجام دهد کیفر خود را در برابر آن خواهد گرفت و هیچ کس را جز خدا ولی و یاور خویش نمی یابد.

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۴۲

(من يعمل سوءا یجز به و لا یجد له من دون الله ولیا و لا نصیرا).

و هم چنین کسانی که عمل صالح بجا آورند و با ایمان باشند اعم از مرد وزن آنها وارد بهشت خواهند شد و کمترین ستمی به آنها نمی شود.

(و من یعمل من الصالحات من ذکر او انثی و هو مؤمن فاولئک یدخلون الجنة و لا یظلمون نقیرا).

و به این ترتیب قرآن به تعبیر ساده معمولی به اصطلاح آب پاک به روی دست همه ریخته است و وابستگیهای ادعائی و خیالی و اجتماعی و نژادی و مانند آن را نسبت به یک مذهب به تنهایی بیفایده می شمرد، و اساس را ایمان به مبانی آن مکتب و عمل به برنامه های آن معرفی می کند.

در ذیل آیه اول حدیثی در منابع شیعه و اهل تسنن وارد شده که پس از نزول این آیه بعضی از مسلمانان آنچنان در وحشت فرو رفتند که از ترس به گریه افتادند زیرا میدانستند انسان خطا کار است و بالاخره ممکن است گناهایی از او سرزند، اگر بنا باشد هیچگونه عفو و بخششی در کار نباشد، کیفر همه اعمال بد خود را ببیند کار، بسیار مشکل خواهد شد و لذا به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کردند که این آیه چیزی برای ما باقی نگذاشته است، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: قسم به آن کس که جانم به دست او

است مطلب همان است که در این آیه نازل شده، ولی این بشارت را به شما بدهم که موجب نزدیکی شما به خدا و تشویق به انجام کارهای نیک گردد، مصائبی که به شما میرسد کفاره گناهان شما است حتی خاری که در پای شما میخلد!

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۴۳

سؤال :

ممکن است کسانی از جمله و لا یجد له من دون الله ولیا و لانسیرا: هیچکس را سرپرست و یاور در برابر گناهان نمی‌بیند چنین استدلال کنند که با وجود این جمله مساله شفاعت و مانند آن به کلی منتفی خواهد بود و آیه را دلیل نفی مطلق شفاعت بگیرند.

پاسخ :

همانطور که سابقا هم اشاره کرده‌ایم، معنی شفاعت این نیست که شفیعان همانند پیامبران و امامان و صالحان دستگاه مستقلی در برابر خداوند دارند، بلکه شفاعت آنها نیز به فرمان خدا است و بدون اجازه او، و شایستگی و لیاقت شفاعت شوندگان، هیچگاه اقدام به شفاعت نخواهند کرد، بنابراین چنین شفاعتی سرانجام به خدا باز می‌گردد، و شعبهای از ولایت و نصرت و کمک و یاری خداوند محسوب میشود.

آیه ۱۲۵ - ۱۲۶

آیه و ترجمه

و من احسن دینا ممن اسلم وجهه لله و هو محسن و اتبع ملة ابرهیم حنیفا و اتخذ الله ابرهیم خلیلا ۱۲۵

و لله ما فی السموت و ما فی الارض و کان الله بکل شیء محیطا ۱۲۶

ترجمه :

۱۲۵ - و دین و آئین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کند، و نیکوکار باشد و پیرو آئین خالص و پاک ابراهیم گردد و خدا ابراهیم را بدوستی خود انتخاب کرد.

۱۲۶ - و آنچه در آسمانها و زمین است از آن خدا است و خداوند به هر چیزی احاطه دارد.

تفسیر :

در آیات قبل، سخن از تاثیر ایمان و عمل بود و اینکه انتساب به هیچ مذهب و آئینی، به تنهایی اثری ندارد، در عین حال در آیه مورد بحث برای اینکه سوء تفاهمی از بحث گذشته پیدا نشود، «برتری آئین اسلام را بر تمام آئینها به این تعبیر بیان کرده است: چه آئینی بهتر است از آئین کسی که با تمام وجود خود، در برابر خدا تسلیم شده، و دست از نیکوکاری بر نمی دارد و پیرو آئین پاک خالص ابراهیم است».

(و من احسن دینا ممن اسلم وجهه لله و هو محسن و اتبع ملة ابراهيم حنیفا). البته آیه به صورت استفهام بیان شده، ولی منظور از آن گرفتن اقرار از شنونده، نسبت به این واقعیت است.

در این آیه سه چیز مقیاس بهترین آئین شمرده شده: نخست تسلیم مطلق در برابر خدا «اسلم وجهه لله».

دیگر نیکوکاری (و هو محسن) منظور از نیکوکاری در اینجا هر گونه نیکی با قلب و زبان و عمل است، و در حدیثی که در تفسیر نور الثقلین در ذیل این آیه از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده در پاسخ این سؤال که منظور از احسان چیست! چنین می خوانیم: ان تعبد الله کانک تراه فان لم تکن تراه فانه یراک ++

«احسان (در این آیه) به این است که هر عملی در مسیر بندگی خدا انجام می دهی آنچنان باشد که گویا خدا را می بینی و اگر تو او را نمی بینی او ترا می بیند و شاهد و ناظر تو است.

و دیگر پیروی از آئین پاک ابراهیم است.
(و اتبع ملة ابراهيم حنیفا).

در پایان آیه دلیل تکیه کردن روی آئین ابراهیم را چنین بیان می کند که خداوند ابراهیم را به عنوان خلیل خود انتخاب کرد.

(و اتخذ الله ابراهيم خلیلا).
خلیل یعنی چه!

«خلیل» ممکن است از ماده «خلت» (بر وزن حجت) به معنی «دوستی» بوده باشد و یا از ماده «خلت» (بر وزن ضربت) به معنی «نیاز و احتیاج» و در اینکه کدامیک از این دو معنی به مفهوم آیه فوق نزدیکتر است در میان مفسران گفتگو است، جمعی معتقدند که معنی دوم نزدیکتر به حقیقت آیه می باشد، زیرا ابراهیم به خوبی احساس می کرد که در همه چیز بدون استثنا نیازمند پروردگار است. ولی از آنجا که آیه فوق می گوید: خداوند این مقام را به ابراهیم داد استفاده می شود که منظور همان معنی دوستی است، زیرا اگر بگوئیم خداوند

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۴۶

ابراهیم را بعنوان دوست خود انتخاب کرد بسیار مناسب به نظر می رسد، تا اینکه بگوئیم خداوند ابراهیم را نیازمند خود انتخاب کرد، به علاوه نیازمندی مخلوقات خدا اختصاصی به ابراهیم ندارد. (یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله - فاطر - ۱۵) به خلاف دوستی خداوند که همگی در آن یکسان نیستند. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) چنین می خوانیم: که خداوند اگر ابراهیم را به عنوان خلیل (دوست) انتخاب کرد نه به خاطر نیاز به دوستی او بود، بلکه به خاطر این بود که ابراهیم بنده مفید پروردگار و کوشا در راه رضای او بود این روایت نیز شاهد بر این است که خلیل در اینجا به معنی دوست می باشد. و اما اینکه ابراهیم چه امتیازاتی داشت که خداوند این مقام را به او بخشید، در روایات علل مختلفی برای آن ذکر شده که همه آنها میتوانند دلیل این انتخاب بوده باشد.

از جمله اینکه: در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده انما اتخذ الله ابراهیم خلیلاً لانه لم یرد احدا و لم یسئل احدا قط غیر الله : «خداوند ابراهیم را به عنوان خلیل خود انتخاب کرد زیرا هرگز تقاضاکننده ای را محروم نساخت و هیچگاه از کسی نیز تقاضا نکرد» و از بعضی از روایات دیگر استفاده می شود که این مقام بر اثر کثرت سجود و اطعام گرسنگان و نماز در دل شب و یا بخاطر کوشا بودن در راه اطاعت پروردگار بوده است.

سپس در آیه بعد اشاره به مالکیت مطلقه پروردگار و احاطه او به همه اشیا می‌کند و می‌فرماید: «آنچه در آسمانها و زمین است ملک خداست زیرا خداوند به همه چیز احاطه دارد».

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۴۷

(و لله ما فی السموات و ما فی الارض و کان الله بکل شیء محیطا).
اشاره به اینکه اگر خداوند ابراهیم را دوست خود انتخاب کرد نه بخاطر نیاز به او بود زیرا خدا از همگان بی‌نیاز است بلکه به خاطر سجایا و صفات فوق العاده و برجسته ابراهیم بود.

آیه ۱۲۷

آیه و ترجمه

و یستفتونک فی النساء قل الله یتیکم فیهن و ما یتلی علیکم فی الکتب فی یتیمی النساء التی لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکحوهن و المستضعفین من الولدن و ان تقوموا للیتیمی بالقسط و ما تفعلوا من خیر فان الله کان به علیما ۱۲۷

ترجمه :

۱۲۷ - از تو درباره زنان سؤال می‌کنند، بگو خداوند در این زمینه به شما پاسخ می‌دهد و آنچه در قرآن درباره زنان یتیمی که حقوق آنها را به آنها نمی‌دهید و می‌خواهید با آنها ازدواج کنید و همچنین درباره کودکان صغیر و ناتوان برای شما بیان شده است (قسمتی از سفارشهای خداوند در این زمینه می‌باشد، و نیز به شما سفارش می‌کند که) با یتیمان به عدالت رفتار کنید و آنچه از نیکیها انجام می‌دهید خداوند از آن آگاه است (و به شما پاداش مناسب می‌دهد).

تفسیر :

باز هم حقوق زنان

آیه فوق به پاره‌ای از سؤالات و پرسشهایی که درباره زنان (مخصوصا دختران یتیم) از طرف مردم می‌شده است پاسخ می‌گوید و می‌فرماید: «ای

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۴۸

پیامبر از تو درباره احکام مربوط به حقوق زنان، سؤالاتی میکنند بگو خداوند در

این زمینه به شما فتوا و پاسخ میدهد».

(و يستفتونک فی النساء قل الله یفتیکم فیهن).

سپس اضافه می‌کند: «آنچه در قرآن مجید درباره دختران یتیمی که اموال آنها را در اختیار می‌گرفتید، نه با آنها ازدواج می‌کردید و نه اموالشان را به آنها می‌سپردید که با دیگران ازدواج کنند، به قسمتی دیگر از سؤالات شما پاسخ می‌دهد و زشتی این عمل ظالمانه را آشکار می‌سازد.

و ما یتلی علیکم فی الکتاب فی یتامی النساء اللاتی لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکحوهن).

سپس درباره پسران صغیر که طبق رسم جاهلیت از ارث ممنوع بودند توصیه کرده و می‌فرماید: «خداوند به شما توصیه می‌کند که حقوق کودکان ضعیف را رعایت کنید».

(و المستضعفین من الولدان).

بار دیگر درباره حقوق یتیمان به طور کلی تاکید کرده و می‌گوید: «و خدا به شما توصیه میکند که در مورد یتیمان به عدالت رفتار کنید».

(و ان تقوموا للیتامی بالقسط).

و در پایان به این مسئله توجه می‌دهد که «هر گونه عمل نیکی مخصوصا درباره یتیمان و افراد ضعیف، از شما سرزند از دیدگاه علم خداوند مخفی

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۴۹

نمی‌ماند، و پاداش مناسب آن خواهید یافت».

(و ما تفعلوا من خیر فان الله کان به علیما).

ضمناً باید توجه داشت که جمله یستفتونک در اصل از ماده «فتوی» و «فتیاء» گرفته شده که بمعنی پاسخ به مسائل مشکل است و از آنجا که ریشه اصلی این لغت «فتی» بمعنی جوان نوری می‌باشد ممکن است نخست در مسائلی که انسان پاسخهای جالب و تازه و نوری برای آن انتخاب کرده به کار رفته باشد و سپس در مورد پاسخ به تمام مسائل انتخاب شده است.

آیه و ترجمه

آیه و ترجمه

و ان امرأة خافت من بعلها نشوزاً او اعراضاً فلا جناح علیهما ان یصلحابیניהما صلحاً و الصلح خیر و احضرت الانفس الشح و ان تحسنوا و تتقوا فان الله کان بما

تعملون خبیر ۱۲۸

ترجمه :

۱۲۸ - و اگر زنی از طغیان و سرکشی یا اعراض شوهرش، بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم صلح کنند (و زن یا مرد از پاره‌های از حقوق به خاطر صلح صرف‌نظر کنند) و صلح بهتر است، اگر چه مردم (طبق غریزه حب ذات در اینگونه موارد) بخل می‌ورزند، و اگر نیکی کنید و پرهیزگاری پیشه سازید (و بخاطر صلح، گذشت نمائید) خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است (و پاداش شایسته به شما خواهد داد).

شان نزول :

در بسیاری از تفاسیر اسلامی و کتب حدیث، در شان نزول آیه چنین نقل شده: که رافع بن خدیج دو همسر داشت یکی مسن و دیگری جوان (بر اثر

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۵۰

اختلافاتی) همسر مسن خود را طلاق داد، و هنوز مدت عده، تمام نشده بود به او گفت: اگر مایل باشی با تو آشتی می‌کنم، ولی باید اگر همسر دیگرم را بر تو مقدم داشتم صبر کنی و اگر مایل باشی صبر میکنم، مدت عده تمام شود و از هم جدا شویم، زن پیشنهاد اول را قبول کرد و با هم آشتی کردند، آیه شریفه نازل شد و حکم این کار را بیان داشت.

تفسیر :

صلح بهتر است

همانطور که در ذیل آیات ۳۴ و ۳۵ همین سوره گفتیم نشوز در اصل از ماده «نشز» به معنی «زمین مرتفع» می‌باشد و هنگامی که درمورد زن و مرد به کار می‌رود به معنی سرکشی و طغیان است، در آیات مزبور احکام مربوط به نشوز زن بیان شده بود، ولی در اینجا اشارهای به مسئله نشوز مرد کرده و می‌فرماید: «هر گاه زنی احساس کند که شوهرش بنای سرکشی و اعراض دارد، مانعی ندارد که برای حفظ حریم زوجیت، از پاره‌های از حقوق خود صرف‌نظر کند، و با هم صلح نمایند».

(و ان امرأة خافت من بعلها نشوزا او اعراضا فلا جناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحا).

از آنجا که گذشت کردن زن از قسمتی از حقوق خود، روی رضایت و طیب خاطر انجام شده، و اکراهی در میان نبوده است، گناهی ندارد و تعبیر به لا جناح (گناهی ندارد) نیز اشاره به همین حقیقت است. ضمناً از آیه با توجه به شان نزول دو مساله فقهی استفاده می شود: نخست

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۵۱

اینکه احکامی مانند تقسیم ایام هفته در میان دو همسر، جنبه حق دارنده حکم، و لذا زن می تواند با اختیار خود از این حق به طور کلی یا به طور جزئی صرف نظر کند، دیگر اینکه عوض صلح، لازم نیست مال بوده باشد، بلکه می تواند اسقاط حقی عوض صلح واقع شود.

سپس برای تاکید موضوع می فرماید: «به هر حال صلح کردن بهتر است»
(و الصلح خیر).

این جمله کوتاه و پر معنی گرچه در مورد اختلافات خانوادگی در آیه فوق ذکر شده ولی بدیهی است یک قانون کلی و عمومی و همگانی را بیان می کند که در همه جا اصل نخستین، صلح و صفا و دوستی و سازش است، و نزاع و کشمکش و جدائی بر خلاف طبع سلیم انسان و زندگی آرام بخش او است، و لذا جز در موارد ضرورت و استثنائی نباید به آن متوسل شد، بر خلاف آنچه بعضی از مادیها می پندارند که اصل نخستین در زندگی بشر همانند سایر جانداران، تنازع بقاء و کشمکش است و تکامل از این راه صورت می گیرد، و همین طرز تفکر شاید سرچشمه بسیاری از جنگها و خونریزیهای قرون اخیر شده است، در حالی که انسان بخاطر داشتن عقل و هوش، حسابش از حیوانات درنده جدا است، و تکامل او در سایه تعاون صورت می گیرد نه تنازع، و اصولاً تنازع بقاء حتی در میان حیوانات، یک اصل قابل قبول برای تکامل نیست. و بدنبال آن اشاره به سرچشمه بسیاری از نزاعها و عدم گذشتها کرده و می فرماید: «مردم ذاتاً و طبق غریزه حب ذات، در امواج بخل قرار دارند، و هر کسی سعی میکند تمام حقوق خود را بیکم و کاست دریافت دارد، و همین سرچشمه نزاعها و کشمکشها است».

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۵۲

(و احضرت الانفس الشح)

بنابراین اگر زن و مرد به این حقیقت توجه کنند که سرچشمه بسیاری از اختلافات بخل است، بخل یکی از صفات مذموم است، سپس در اصلاح خود بکوشند و گذشت پیشه کنند، نه تنها ریشه اختلافات خانوادگی از بین می‌رود، بلکه بسیاری از کشمکشهای اجتماعی نیز پایان می‌گیرد. ولی در عین حال برای اینکه مردان از حکم فوق سوء استفاده نکنند، در پایان آیه روی سخن را به آنها کرده و توصیه به نیکوکاری و پرهیزکاری نموده و به آنان گوشزد میکند که مراقب اعمال و کارهای خود باشند و از مسیر حق و عدالت منحرف نشوند، زیرا خداوند از همه اعمال آنها آگاه است.

(و ان تحسنوا و تتقوا فان الله کان بما تعملون خبیرا).

آیه ۱۲۹-۱۳۰

آیه و ترجمه

و لن تستطيعوا ان تعدلوا بین النساء و لو حرصتم فلا تمیلوا کل المیل فتذروها کالمعلقة و ان تصلحوا و تتقوا فان الله کان غفورا رحیما ۱۲۹
و ان یتفرقا یغن الله کلا من سعته و کان الله وسعا حکیما ۱۳۰

ترجمه :

۱۲۹ - و هرگز نمیتوانید (از نظر محبت قلبی) در میان زنان، عدالت کنید، هر چند کوشش نمائید، ولی به کلی تمایل خود را متوجه یکطرف نسازید که دیگری را به صورت بلا تکلیف در آورید، و اگر راه اصلاح و پرهیزگاری پیش گیرید، خداوند آمرزنده و مهربان است.

۱۳۰ - و اگر (راهی برای اصلاح در میان خود نیابند و) از هم جدا شوند، خداوند هر کدام از آنها را از فضل و کرم خود، بی‌نیاز می‌کند و خداوند صاحب فضل و کرم و حکیم است.

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۵۳

تفسیر :

عدالت شرط تعدد همسر

از جمله ای که در پایان آیه قبل گذشت و در آن دستور به احسان و تقوی و پرهیزگاری داده شده بود، یک نوع تهدید در مورد شوهران استفاده می‌شود، که آنها باید مراقب باشند کمترین انحرافی از مسیر عدالت در مورد همسران

خود پیدا نکنند، اینجا است که این توهم پیش میاید که مراعات عدالت حتی در مورد محبت و علاقه قلبی امکانپذیر نیست، بنابراین در برابر همسران متعدد چه باید کرد؟.

آیه مورد بحث به این سؤال پاسخ میگوید که «عدالت از نظر محبت، در میان همسران امکانپذیر نیست، هر چند در این زمینه کوشش شود.»

(و لن تستطیعوا ان تعدلوا بین النساء و لو حرصتم).

از جمله و لو حرصتم استفاده میشود که در میان مسلمانان، افرادی بودند که در این زمینه سخت کوشش می کردند و شاید علت کوشش آنها دستور مطلق به عدالت در آیه ۳ همین سوره بوده است، آنجا که میفرماید:

فان خفتم الا تعدلوا فواحدة.

بدیهی است یک قانون آسمانی نمیتواند بر خلاف فطرت باشد، و یا تکلیف به «ما لا یطاق» کند، و از آنجا که محبتهای قلبی، عوامل مختلفی دارد که بعضا از اختیار انسان بیرون است، دستور به رعایت عدالت در مورد آن داده نشده است، ولی نسبت به اعمال و رفتار و رعایت حقوق در میان همسران که برای انسان، امکانپذیر است روی عدالت تاکید شده است. در عین حال برای اینکه مردان از این حکم، سوء استفاده نکنند بدنبال

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۵۴

این جمله میفرماید: «اکنون که نمیتوانید مساوات کامل را از نظر محبت، میان همسران خود، رعایت کنید لا اقل تمام تمایل قلبی خود را متوجه یکی از آنان نسازید، که دیگری بصورت بلا تکلیف در آید و حقوق او نیز عملا ضایع شود».

(فلا تمیلوا کل المیل فتذروها کالمعلقة).

و در پایان آیه به کسانی که پیش از نزول این حکم، در رعایت عدالت میان همسران خود کوتاهی کرده اند هشدار میدهد که «اگر راه اصلاح و تقوا پیش گیرند و گذشته را جبران کنند خداوند آنها را مشمول رحمت و بخشش خود قرار خواهد داد».

(و ان تصلحوا و تتقوا فان الله کان غفورا رحیما).

در روایات اسلامی مطالبی درباره رعایت عدالت در میان همسران نقل شده که عظمت این قانون را مشخص می سازد، از جمله اینکه: در حدیثی میخوانیم

علی (علیه السلام) در آن روزی که متعلق به یکی از دو همسرش بود، حتی وضوی خود را در خانه دیگری نمی گرفت و درباره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) میخوانیم که حتی به هنگام بیماری در خانه یکی از همسران خود، توقف نمیکرد و درباره معاذ بن جبل نقل شده که دو همسر داشت و هر دو در بیماری طاعون با هم از دنیا رفتند، او حتی برای مقدم داشتن دفن یکی بر دیگری از قرعه استفاده کرد، تاکاری بر خلاف عدالت انجام نداده باشد.

پاسخ به یک سؤال لازم

همانطور که در ذیل آیه ۳ همین سوره یادآور شدیم بعضی از بی خبران از ضمیمه کردن آن آیه با آیه مورد بحث چنین نتیجه میگیرند که تعدد زوجات

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۵۵

مشروط به عدالت است، و عدالت هم ممکن نیست، بنابراین تعدد زوجات در اسلام ممنوع است.

اتفاقاً از روایات اسلامی بر میآید که نخستین کسی که این ایراد را مطرح کرد ابن ابی العوجاء از مادیین معاصر امام صادق (علیه السلام) بود که این ایراد را با هشام بن حکم دانشمند مجاهد اسلامی در میان گذاشت، او که جوابی برای این سؤال نیافته بود از شهر خود که ظاهراً کوفه بود بسوی مدینه (برای یافتن پاسخ همین سؤال) حرکت کرد، و به خدمت امام صادق (علیه السلام) رسید، امام صادق (علیه السلام) از آمدن او در غیر وقت حج و عمره به مدینه تعجب کرد، ولی او عرض کرد که چنین سوالی پیش آمده است، امام (علیه السلام) در پاسخ فرمود: منظور از عدالت در آیه سوم سوره نساء عدالت در نفقه (و رعایت حقوق همسری و طرز رفتار و کردار) است و اما منظور از عدالت در آیه ۱۲۹ (آیه مورد بحث) که امری محال شمرده شده، عدالت در تمایلات قلبی است (بنابراین تعدد زوجات با حفظ شرائط اسلامی نه ممنوع است و نه محال) هنگامی که هشام از سفر، بازگشت، و این پاسخ را در اختیار ابن ابی العوجاء گذاشت، او سوگند یاد کرد که این پاسخ از خود تو نیست.

معلوم است که اگر کلمه عدالت را در دو آیه به دو معنی تفسیر می کنیم به خاطر قرینه روشنی است که در هر دو آیه وجود دارد، زیرا در ذیل آیه مورد بحث، صریحاً می گوید: تمام تمایل قلبی خود را متوجه به یک همسر نکنید، و به این ترتیب انتخاب دو همسر مجاز شمرده شده منتها به شرط اینکه عملاً

درباره یکی از آن دو ظلم نشود اگر چه از نظر تمایل قلبی نسبت به آنها تفاوت داشته باشد، و در آغاز آیه ۳ همین سوره صریحا اجازه تعدد را نیز داده است.

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۵۶

سپس در آیه بعد اشاره به این حقیقت میکند: اگر ادامه همسری برای طرفین طاقت فرسا است، و جهاتی پیش آمده که افق زندگی برای آنها تیره و تار است و به هیچوجه اصلاحپذیر نیست، آنها مجبور نیستند چنان ازدواجی را ادامه دهند، و تا پایان عمر با تلخکامی در چنین زندگی خانوادگی زندانی باشند بلکه میتوانند از هم جدا شوند و در این موقع باید شجاعانه تصمیم بگیرند و از آیینده وحشت نکنند، زیرا «اگر با چنین شرائطی از هم جدا شوند خداوند بزرگ هر دو را با فضل و رحمت خود بی نیاز خواهد کرد و امید است همسران بهتر و زندگانی روشنتری در انتظار آنها باشد.

(و ان یتفرقا یغن الله کلا من سعته).

زیرا خداوند فضل و رحمت وسیع آمیخته با حکمت دارد.

(و کان الله واسعا حکیما)

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۵۷

آیه ۱۳۱-۱۳۴

آیه و ترجمه

و لله ما فی السموت و ما فی الارض و لقد وصینا الذین اوتوا الکتب من قبلکم و ایاکم ان اتقوا الله و ان تکفروا فان لله ما فی السموت و ما فی الارض و کان الله غنیا حمیدا ۱۳۱

و لله ما فی السموت و ما فی الارض و کفی بالله وکیلا ۱۳۲

ان یشا یدهبکم ایها الناس و یات باخرین و کان الله علی ذلک قدیرا ۱۳۳

من کان یرید ثواب الدنیا فعند الله ثواب الدنیا و الاخرة و کان الله سمیعا بصیرا ۱۳۴

ترجمه :

۱۳۱ - آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن خدا است و ماسفارش کردیم به کسانی که پیش از شما دارای کتاب آسمانی بودند و همچنین به شما که از (نافرمانی) خدا بپرهیزید و اگر کافر شوید (به خدایانی نمی رسد زیرا)

برای خدا است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، و خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است.

۱۳۲ - و برای خدا است آنچه در آسمانها و زمین است و خداوند برای حفظ و نگاهبانی آنها کافی است.

۱۳۳ - ای مردم اگر او بخواهد شما را از میان می برد و افراد دیگری را (به جای شما) می آورد و خداوند توانائی بر این کار دارد.

۱۳۴ - کسانی که پاداش دنیوی بخواهند (و در قید نتایج معنوی و اخروی نباشند در اشتباهند زیرا) در نزد خدا پاداش دنیا و آخرت است و خداوند شنوا و بینا است.

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۵۸

تفسیر :

در آیه قبل به این حقیقت اشاره شد که اگر ضرورتی ایجاب کند که دوهمسر از هم جدا شوند، و چارهای از آن نباشد، اقدام بر این کار بیمانع است و از آینده نترسند، زیرا خداوند آنها را از فضل و کرم خود بی نیاز خواهد کرد، در این آیه اضافه میکند: ما قدرت بینای نمودن آنها را داریم زیرا «آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است ملک خدا است.»

(و لله ما فی السموات و ما فی الارض)

کسی که چنین ملک بی انتها و قدرت بی پایان دارد از بی نیاز ساختن بندگان خود عاجز نخواهد بود، سپس برای تاکید درباره پرهیزگاری در این مورد و هر مورد دیگر، میفرماید: «به یهود و نصارا و کسانی که قبل از شما دارای کتاب آسمانی بودند و همچنین به شما سفارش کرده ایم که پرهیزگاری را پیشه کنید.»

(و لقد وصینا الذین اوتوا الكتاب من قبلکم و ایاکم ان اتقوا الله).

بعد روی سخن را بمسلمانان کرده، می گوید: اجرای دستور تقوا به سود خود شما است، و خدا نیازی به آن ندارد «و اگر سرپیچی کنید و راه طغیان و نافرمانی پیش گیرید، زیانی به خدا نمی رسد، آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن او است، و او بی نیاز و درخور ستایش است.»

(و ان تکفروا فان لله ما فی السموات و ما فی الارض و کان الله غنیا حمیدا).

در حقیقت غنی و بی‌نیاز بمعنی واقعی، خدا است، زیرا او «غنی بالذات» است و بی‌نیازی غیر او به کمک او است و گر نه ذاتا همه محتاج و نیازمندند،

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۵۹

همچنین او است که بالذات شایسته «ستایش» است، چه اینکه کمالاتش که شایستگی ستایش به او میدهد، درون ذات او است نه همانند کمالات دیگران که عاریتی است، و از ناحیه دیگری میباشد.

در آیه بعد برای سومین بار، روی این جمله تکیه میکند که «آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است ملک خدا است و خدا آنها را محافظت و نگهداری و اداره میکند».

(و لله ما فی السموات و ما فی الارض و کفی بالله وکیلا).

در اینجا این سؤال پیش میاید که چرا در این فاصله کوتاه، یک مطلب، سه بار تکرار شده است، آیا تنها برای تاکید است یا اشارات دیگری در آن نهفته شده دقت در مضمون آیات نشان میدهد که هر بار، نکته‌های داشته، نخستین بار که به دو همسر وعده میدهد که پس از متار که کردن خداوند آنها را بی‌نیاز میکند، برای اثبات توانائی بر وفای به این عهد، مالکیت خود را بر پهنه زمین و آسمان متذکر میشود.

بار دیگر پس از توصیه به تقوا و پرهیزگاری برای اینکه توهم نشود که اطاعت این فرمان سودی برای خداوند دارد، و یا مخالفت با آن زیانی به او میرساند، این جمله را تکرار میکند.

و در حقیقت این سخن شبیه همان است که امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در نهج البلاغه در آغاز خطبه «همام» فرموده است:

(ان الله سبحانه و تعالی خلق الخلق حین خلقهم غنیا عن طاعتهم آما من معصیتهم لانه لا تضره معصية من عصاه و لا تنفعه طاعة من اطاعه :

«خداوند متعال انسانها را آفرید در حالی که از اطاعت آنها بی‌نیاز و از نافرمانی آنها در امان بود، زیرا نه معصیت گنهکاران به او زیانی میرساند، و نه طاعت مطیعان به او سودی میدهد» و سومین بار به عنوان مقدمه‌ای برای

بحثی که در آیه ۱۳۳ بیان شده مالکیت خود را بر سراسر جهان هستی یادآور میشود.

سپس میفرماید: «برای خدا هیچ مانعی ندارد که شما را از بین ببرد، و جمعیتی آماده‌تر و مصمم‌تر جانشین شما کند، که در راه اطاعت او کوشاتر باشند و خداوند توانائی بر این کار را دارد».

(ان یشا یدهبکم ایها الناس و یات باخرین و کان الله علی ذلک قدیرا)

در تفسیر «تبیان» و «مجمع البیان» از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین نقل شده است که وقتی این آیه نازل شد، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دست خود را به پشت «سلمان» زد و فرمود: «آن جمعیت اینها مردم عجم و فارس، هستند»، این سخن در حقیقت پیشگوئی از خدمات بزرگی میکند که ایرانیان مسلمان، به اسلام کردند.

و در آخرین آیه و سخن از کسانی به میان آمده که دم از ایمان به خدامیزند، و در میدانهای جهاد شرکت میکنند و دستورات اسلام را به کار می‌بندند، بدون اینکه هدف الهی داشته باشند، بلکه منظورشان بدست آوردن نتایج مادی همانند غنائم جنگی و مانند آن است و میفرماید: «کسانی که تنها پاداش دنیا می‌طلبند، در اشتباهند زیرا در نزد پروردگار پاداش دنیا و آخرت، هر دو میباشد».

(من کان یرید ثواب الدنیا فعند الله ثواب الدنیا و الاخرة).

پس چرا به دنبال هر دو نمی‌روند.

«و خداوند از نیات همگان آگاه است و هر صدائی را می‌شنود، و هر صحنه‌ای را می‌بیند و از اعمال منافق صفتان اطلاع دارد».

(و کان الله سمیعا بصیرا)

این آیه بار دیگر این حقیقت را بازگو میکند که اسلام تنها ناظر به جنبه‌های

تفسیر نمونه جلد ۴ صفحه ۱۶۱

معنوی و اخروی نیست، بلکه برای پیروان خود هم سعادت مادی می‌خواهد و هم معنوی.

← بعد

↑ فهرست

→ قبل